

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری)

پایان نامه کارشناسی ارشد

مقایسه‌ی توکل از دیدگاه جلال الدین محمد بلخی و محیی الدین ابن عربی

استاد راهنما:

دکتر علی اشرف امامی

استاد مشاور:

دکتر مهدی حسن زاده

نگارش:

زهرا سادات صاحب

تابستان ۱۳۸۹

تقدیم به پیشگاه حضرت فاطمه‌ی زهرا (ع)

و

پدر و مادر عزیزم

به پاس همه‌ی خوبی‌ها، مهربانی‌ها و صبوری‌هایشان

و با سپاس از اساتید گرامی:

آقای دکتر علی اشرف امامی

و

آقای دکتر مهدی حسن زاده



بسمه تعالی

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: مقایسه‌ی توکل از دیدگاه مولانا جلال الدین محمد و محیی الدین ابن عربی

نام نویسنده: زهرا سادات صاحب

نام استاد(ان) راهنما: آقای دکتر علی اشرف امامی

نام استاد(ان) مشاور: آقای دکتر مهدی حسن زاده

رشته تحصیلی:	گروه: ادیان و عرفان	دانشکده: الهیات
تاریخ تصویب: ۸۹/۶/۱۷	تاریخ دفاع: ۸۹/۶/۲۶	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد *	دکتری	تعداد صفحات: ۱۴۳

چکیده رساله/پایان نامه:

توکل در قرآن کریم، سنت و احوال عرفانی جایگاه مهمی دارد. مولانا و ابن عربی نیز آن را مد نظر داشته، و در آثار خود به آن پرداخته‌اند. آنها هر دو بر این باورند که توکل اعتماد به خداوند است و با اعتماد بر هر چیز دیگر منافات دارد؛ یعنی متوکل بر خداوند اعتماد می‌کند و بر ابن باور است که کسب و اسباب به خواست خداوند عمل می‌کند. در این تحقیق علاوه بر اینکه جایگاه توکل در بیان هر یک از دو عارف مورد بحث، بطور جداگانه تبیین شده است، در نهایت تشابه و تفاوت آنها مقایسه شده است

امضای استاد راهنما:	کلید واژه:
تاریخ:	۱. مولانا
	۲. ابن عربی
	۳. توکل

## فهرست

مقدمه ..... ۱

### فصل اول: پیشینه‌ی مفهوم توکل

بخش اول: توکل در عهدین ..... ۶

۱- عهد قدیم ..... ۶

۲- عهد جدید ..... ۱۰

بخش دوم: توکل در قرآن کریم و احادیث ..... ۱۵

۱- قرآن کریم ..... ۱۵

۲- احادیث ..... ۱۹

بخش سوم: پیشینه‌ی توکل در تصوف ..... ۲۳

### فصل دوم: توکل از دیدگاه مولانا

بخش اول: مقام توکل از دیدگاه مولانا ..... ۳۹

#### ۱- مفهوم توکل

اعتماد به خداوند ..... ۴۰

تسلیم ..... ۴۱

عدم پابندی به اسباب ..... ۴۳

عدم اعتماد به تلاش ..... ۴۳

واگذاری امور به خداوند ..... ۴۵

## ۲- علل توکل

- ۴۹..... توحید افعالی
- ۵۵..... مسبب الاسباب بودن خداوند
- ۵۵..... غلبه‌ی تدبیر الهی
- ۵۹..... کفایت الهی
- ۶۰..... بهره‌مندی از توفیق الهی
- ۶۱..... بخش دوم: مفاهیم مرتبط با توکل از دیدگاه مولانا
- ۶۱..... ۱- رزاقیت خداوند
- ۸۰..... ۲- اسباب

## فصل سوم: توکل از دیدگاه ابن عربی

- ۹۴..... بخش اول: مقام توکل از دیدگاه ابن عربی
- ۱- مفهوم توکل
- ۹۶..... اعتماد به خداوند
- ۹۸..... تسلیم
- ۹۹..... شهود افعال حق
- ۹۹..... ایمان

## ۲- علل توکل

- ۱۰۰..... توحید افعالی
- ۱۰۲..... مسبب الاسباب بودن خداوند
- ۱۰۲..... آگاهی خداوند به مصلحت بندگانش
- ۱۰۴..... مصونیت از وسوسه‌ی شیطان

بخش دوم: مفاهیم مرتبط با توکل از دیدگاه ابن عربی

- ۱- مقام ترک توکل ..... ۱۰۵
- ۲- اسم الوکیل ..... ۱۰۹
- ۳- توحید وکالت ..... ۱۱۱
- ۴- توحید الاستکفاء ..... ۱۱۳
- ۵- اسباب ..... ۱۱۵
- ۶- رزاقیت خداوند ..... ۱۲۱
- نتیجه گیری ..... ۱۲۸
- فهرست منابع ..... ۱۳۷

## مقدمه

«توکل» واژه‌ای عربی، از مصدر تَفَعَّل و ریشه‌ی آن «وکل» است. از مشتقاتش می‌توان به «وکیل»، «موکل» و «توکیل» اشاره کرد، «وکیل» که از اسماء خداوند محسوب می‌شود همان کفیل و کسی است که به امر موکل قیام و امورش را کفایت می‌کند.<sup>۱</sup> در آیات قرآن کریم نیز به این اسم اشاره شده است:

﴿وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران/۱۷۳).

«موکل» که همان متوکل علی الله است کسی است که می‌داند خداوند امورش را کفایت می‌کند پس به غیر او توکل نمی‌کند.<sup>۲</sup> «توکیل» به معنای وکیل کردن است که اسم آن «وکالت» است و زمانی که توکل با حرف جر علی متعدی شود به معنی اعتماد و تفویض امر است؛ توکل به دو معنای «ولایت» و «وکالت» نیز در نظر گرفته می‌شود؛ توکل به این معناست که به غیر خود اعتماد کرده و او را از طرف خود نایب بگیری.<sup>۳</sup> این وکالت می‌تواند به یک انسان یا خداوند سبحان داده شود که البته آنچه مد نظر است همان وکالت خداوندی است. ولایت، می‌تواند به این معنا باشد که در توکل، خداوند سرپرست و عهده دار امور فرد می‌شود و او را در همه‌ی منازل و مراحل یاری می‌رساند.

جرجانی در تعریفات، توکل را اینگونه تعریف می‌کند:

«هو الثقة بما عند الله، و اليأس عما في أيدي الناس.»<sup>۴</sup>

۱. ابن منظور، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۱، ص ۷۳۶.

۲. همان، ص ۷۳۴.

۳. ابوالقاسم حسین بن محمد (معروف به راغب اصفهانی)، المفردات فی غرایب القرآن، تحقیق محمد سید کیلانی و عنیب بنشیره، بی جا، المکتب المرتضویة، ۱۳۳۲ ش، ص ۵۳۱.

۴. جرجانی، سید شریف الدین، التعریفات، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي، ۱۳۵۸ ق، ص ۶۲.



وی در این تعریف؛ اعتماد به خداوند و یأس از غیر او را که همان مخلوقاتش هستند متذکر می شود. توکل در زبان فارسی و عربی معنا و مفهوم یکسانی دارد و در هر دو به معنای اعتماد به خداوند است. در روابط انسان‌ها نیز اعتماد به دیگران و وکیل گرفتن آنها وجود دارد، اما خود واژه‌ی توکل تنها در مورد خداوند به کار می‌رود. در روابط انسانها هیچ‌گاه گفته نمی‌شود من به فلان شخص توکل کردم و توکل تنها به خداوند است و بس؛ ما می‌گوییم فلان شخص را وکیل خود قرار دادیم ولی هیچ‌گاه نمی‌گوییم به او توکل کردیم. پس توکل تنها به خداوند اختصاص داشته و وکالت خداوند با وکالتی که به یک فرد داده می‌شود کاملاً متفاوت است. صفاتی از قبیل رحیم، سمیع یا علیم به انسان نیز نسبت داده می‌شود اما پر واضح است که رحیم، سمیع یا علیم بودن خداوند قابل مقایسه با آنچه به انسان نسبت داده می‌شود، نیست؛ از همین رو علی‌رغم اینکه در روابط انسانها اعتماد کردن و وکیل گرفتن رایج است اما با این حال با اعتماد به خداوند تفاوت داشته و همانند آن نیست. وکیل در ازاء وکالت خود حق الزحمه- ای را دریافت می‌کند و حتی احتمال آن می‌رود که نتواند خواسته‌ی موکل خود را عملی سازد. عبد الکریم قشیری در گفتار خویش به تفاوت وکالت الهی و انسانی اشاره می‌کند، وی بیان می‌دارد انسان در ازاء وکالت وکیل به او اجرت پرداخت می‌کند و گاه پیش می‌آید که وکیل به مال موکل خیانت و یا در کارش اشتباه می‌کند؛ اما اگر بنده خداوند را وکیل خویش قرار دهد، خداوند به او اجرت می‌دهد، خواسته‌اش را محقق می‌سازد، به او درود می‌فرستد و در حق او چنان لطفی می‌کند که هرگز به ذهنش خطور نمی‌کند.<sup>۱</sup>

مؤلف اللمع فی التصوف، توکل را مقام ششم از هفت مقام تصوف بر می‌شمارد: ۱- توبه ۲- ورع ۳- زهد ۴- فقر ۵- صبر ۶- توکل ۷- رضا.<sup>۲</sup> اینکه توکل جزء مقامات محسوب می‌شود خود گویای این است که برای درک این مقام باید تلاش کرد و از همین رو اراده‌ی سالک در این بین نقش بسزایی دارد.

۱. قشیری، عبد الکریم، التخبیر فی التذکیر، تحقیق ابراهیم بسیمونی، قاهره، دارالکتب العربی، ۱۹۶۸م، ص ۷۰.

۲. السراج الطوسی، ابی نصر، اللمع فی التصوف، تحقیق عبد السلیم محمود و طه عبد الباقي سرور، مکتبه المثنی بغداد و دار الکتب الحدیث مصر، ۱۳۸۰ق، ص ۷۸.

ممکن است سالکی تنها به درجه‌ای از این مقام برسد و سالکی دیگر این مقام را به معنای واقعی کلمه درک کند.

از آنجا که این مقام از ابتدای سلوک تا انتهای آن همراه فرد است می‌توان گفت که در همه‌ی مقامات و حتی احوال حضور داشته و مکمل آنها محسوب می‌شود. توکل یکی از مقاماتی است که باید پیموده شود تا مرید نو پا به سر حد سلوک رسیده و به مقام ولایت نائل شود، از همین رو مرشدان در آغاز کار مرید را به توکل فرا می‌خوانند و حدود آن را برایش مشخص می‌کردند. مرید قبل از مرید بودنش باید متوکل باشد. توکل از بدایت تا نهایت راه همراه اوست و زمانی مقامات را پشت سر می‌گذارد که توکل را مبنای سلوک خویش قرار داده باشد و به تعبیر حافظ:

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافرست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش<sup>۱</sup>

حتی برای نیل به حالات نیز همچون مقامات تمسک به توکل ضرورت می‌یابد، چون تنها خداوند است که حالی مستدام به فرد می‌بخشد از همین رو او به خداوند توکل می‌کند.

هر فردی که قدم در مسیر سلوک می‌گذارد اول مقامی که با آن روبه‌رو می‌شود مقام توبه است، بدون توکل و استمداد از خداوند ترک گناهان و دل بردن از آنها میسر نمی‌شود و تنها با توکل می‌توان از گناهان دل برید و به جبران مافات پرداخت. عارف به خداوند توکل می‌کند و از او می‌خواهد از وسایس شیطان مصونش دارد. در مقام ورع نیز برای دوری جستن از گناهان و حس انزجار از مناهی را در دل جای دادن، توکل لازم است. در دیگر مقامات همچون زهد، فقر و صبر نیز فرد از توکل ناگزیر است چرا که برای گزینش حیاتی توأم با زهد و فقر توکل ضرورت می‌یابد. در مقام صبر نیز همین‌گونه است؛ از آنجا که تحمل مصائب و نواهی کارچندان آسانی نیست فرد به خداوند روی آورده و از او یاری می‌جوید. برای کسی که قدم در مقام رضا گذارده توکل جلوه‌ی دیگری می‌یابد و آن اینکه اراده‌ی متوکل در اراده‌ی وکیل فانی گشته و در نتیجه هر چه را حق بخواهد او نیز می‌خواهد؛ چون رضا به مصائبی که خداوند از سر امتحان فرد را به آن مبتلا می‌کند کارچندان آسانی نیست.

---

۱. حافظ شیرازی، خواجه محمد، دیوان حافظ، تهران: نشر نیلوفر، چاپ اول ۱۳۷۳، ص ۲۷.

میرید در هر مقامی که قدم می‌گذارد خود و امورش را به خداوند می‌سپارد، گویا مقامات بسان مسیری صعب العبور هستند که توکل در آن به مثابه‌ی سلاحی در مقابل وسوس شیاطین، امیدی در مقابل ناامیدی‌ها و پشتوانه‌ای در برابر سختی‌ها عمل می‌کند.

تصوف در آغاز نشو و نمایش شاهد ظهور کسانی بود که با کسب و کار، مایحتاج خویش را تأمین می‌کردند و توکلشان سرآمد خاص و عام بود. بعدها شاهد ظهور کسانی هستیم که به بهانه‌ی توکل و رزاقیت خداوند از کسب و کار دست کشیده‌اند. ابن‌الجوزی در *تلبیس/بلیس* و در بحث درباره‌ی توکل به این موضوع پرداخته است و این افراد را نکوهش می‌کند.<sup>۱</sup>

از توکل در قرآن کریم و سنت سخن به میان آمده و تصوف اسلامی نیز که تابع آن دو است از این امر مستثنی نبوده است. توکل در تألیفات صوفیان و اقوال و احوالاتشان جایگاه خویش را یافت و در تصوف به عنوان یک مقام مطرح شد.

مولانا و ابن‌عربی که از عرفای به نام تصوف اسلامی‌اند از مقام توکل غفلت نکرده و در تبیین و شرح آن سهیم شده‌اند. بررسی نظرات و عقاید هر یک مهم و قابل توجه است که البته هر یک در جای خویش بررسی خواهد شد. هر کدام از این دو، عقاید خاص خود را ارائه می‌دهند که ممکن است کاملاً شبیه هم نباشد و احتمال تفاوتها وجود داشته باشد، وجود این تفاوتها به معنای اختلافات عمیق فکری این دو نبوده و با وجود تفاوتها، شباهتهایی هم وجود دارند که قابل تأمل هستند.

در این پژوهش قصد داریم با تکیه بر آثار مولانا و ابن‌عربی توکل را از منظر هر یک بررسی کنیم. با توجه به اهمیتی که این دو عارف در عرفان اسلامی دارند بررسی آثار و افکار آنها بایسته و ضروری است. در بدو امر سؤالاتی از این قبیل به ذهن خطور می‌کند: توکل پیش از مولوی و ابن‌عربی چه جایگاهی در قرآن کریم، سنت و تصوف داشته است؟ هر یک از این دو عارف درباره‌ی توکل چه دیدگاهی دارند؟ هر یک در تبیین افکار خویش به چه منابعی استناد می‌کنند؟ آیا توکل از دیدگاه مولانا از کلام هم تأثیر پذیرفته است یا نه؟ توکل با مفاهیم کسب، رزق، تفویض و کسب چه ارتباطی دارد؟ با

۱. ابن‌الجوزی، عبد الرحمن، *تلبیس/بلیس*، لبنان: دارالکتب العلمیة، ۱۳۶۸ق، صص ۲۷۸-۳۱۷.

وجود پژوهش‌های فراوانی که در مورد آثار این دو عارف صورت گرفته، توکل به صورت مقایسه‌ای از منظر این دو بررسی نشده است و با این پژوهش می‌توان به مشابهت‌هایی در ساحت اندیشه‌های این دو عارف دست یافت.

# فصل اول

## پیشینه‌ی مفهوم توکل

\* توکل در عهدین

\* توکل در قرآن کریم و احادیث

\* پیشینه‌ی توکل در تصوف

## بخش اول: توکل در عهدین

### ۱ - عهد قدیم

عهد قدیم بر تصوف بی تأثیر نبوده است، برای مثال در آثار مولانا به رهایی یوسف، شکافته شدن دریا برای موسی و یارانش، که در نتیجه‌ی توکل برایشان حاصل شده بود اشاره شده است که در فصل دوم بیان خواهد شد. در سراسر عهد قدیم توکل به خداوند و استمداد از او قابل ملاحظه است که در سلوک انبیاء خودنمایی می‌کند؛ زمانی که انبیاء از مصائب روزگار و نافرمانی قوم خویش به تنگ می‌آمدند به خداوند روی آورده و از او کمک می‌طلبیدند؛ توکل به مثابه پشتوانه‌ای قوی عمل کرده و ایشان را در انجام رسالت یاری می‌رسانید. زمانی که نوح نبی با قبول نبوتی که سیل و طوفان مهیب را پیش‌بینی می‌کرد به دستور خداوند مبنی بر ساخت کشتی تن داد، تنها با توکل و به تبع آن توفیق الهی بود که ساخت این کشتی بزرگ را متحمل شد و توانست خود و خانواده‌اش را نجات دهد.<sup>۱</sup>

توکل در زندگی ابراهیم نبی نیز مصداق دارد. خداوند به او دستور داد خانه پدری و خویشاوندانش را ترک کند و به سرزمینی که او را به آنجا هدایت می‌کند برود. خداوند به او وعده داد من تو را پدر امته قرار داده و به تو برکت می‌دهم.<sup>۲</sup> ابراهیم نبی با این امید که خداوند به وعده‌اش عمل می‌کند و در این

---

۱. کتاب مقدس، عهد قدیم، بی جا، بی تا، بی مترجم، سفر پیدایش ۶، ۸، ۷. با ترجمه انگلیسی هم مطابقت داده شد؛

*The Holy Bible* (King Jams Version), New york, 1819.

۲. همان، سفر آفرینش ۱۲: ۱-۲.

مسیر طولانی یاور او خواهد بود ترک دیار کرد و راهی سرزمین دیگری شد. ابراهیم بواسطه‌ی توکل حتی یکبار هم به درگاه خداوند شکوه نکرد.

زندگی موسی با توکل پیوند عمیقی خورده است؛ وی به دنبال نبوتی به دستور خداوند به درگاه فرعون رفت و با او روبرو شد. چون فرعون دستور خداوند مبنی بر ترک ظلم را نپذیرفت، موسی به همراه قوم مصر را ترک کرد و در مسیری قرار گرفت که با سختیهای فراوانی پیوند خورده بود؛ این ترک وطن آغازی بود بر ماجرابی که پایان آن به طول انجامید و زندگی موسی را درگیر کرد.<sup>۱</sup> ترک وطن، بهانه‌تراشی‌های قوم، نافرمانی آنها و ... تنها با یقین به مدد خداوند و توکل قابل تحمل می‌شد.

مزامیر به زیباترین وجهی توکل را به تصویر کشیده و در گفتگوی بنده با خداوند تجلی می‌یابد. او با خدای خویش سخن می‌راند و مدام از خداوند طلب مساعدت داشته و به درگاهش استغاثه می‌کند و سخن اوست که:

«و بر خداوند توکل داشته‌ام.» (مزامیر ۱: ۲۶)

در گفتار ذیل نیز بیان می‌شود که سعادت تنها از آن متوکلان است و از همین رو کسانی که امورشان را به خدا واگذار می‌کنند خوشبخت و سعادت‌مند هستند:

«ای خداوند قادر متعال، خوشحال بحال کسی که بر تو توکل دارد.» (مزامیر ۸۴: ۱۲)

همچنین علاوه بر آنکه سعادت از آن متوکلان دانسته می‌شود خداوند نیز منجی ایشان است و به بندگان مؤمن این امر یادآوری می‌شود که نجات خود را در هر زمان و مکانی و تحت هر شرایطی تنها از خدای خویش بخواهند؛ از آنجا که قدرت مطلق تنها مختص خداوند است و اوست که توانایی نجات بندگان را دارد از همین رو نجات خویش را هم از او خواهان می‌شوند:

«جان مرا حفظ کن، مرا نجات ده زیرا بنده‌ی وفادار تو هستم و بر تو توکل دارم.» (مزامیر ۸۶: ۲)

یکی دیگر از ویژگی‌های متوکلان که به آن اشاره می‌کند این است که ایشان در همه‌ی لحظات - نه فقط زمان عُسرت و گرفتاری - به یاد خداوند بوده و از توکل غافل نمی‌مانند. کسانی که ایمانشان ضعیف است تنها در زمان سختی و مصیبت به یاد خداوند می‌افتند و به او توکل می‌کنند و زمانی که کارشان

<sup>۱</sup>. سفر خروج، لاویان، اعداد و تثنیه.

سامان یافت و به خواسته‌ی خویش رسیدند خداوند را فراموش می‌کنند، گویا توکل تنها همدم لحظات سختی‌هایشان است. متوکلین حقیقی در همه‌ی لحظات - غم و شادی - متوکل باقی می‌مانند:

«ای خدای من بر من رحمت فرما زیرا تمام روز به درگاه تو دعا می‌کنم.» (مزامیر ۸۶:۳)

در مزامیر متوکلان به کوه صهیون تشبیه شده‌اند، در سختی‌ها همچون کوهی استوار عمل می‌کنند و در فراز و نشیب روزگار از ایمان و یقینی که به خداوند دارند دست نمی‌کشند و البته این پایداری در ایمان و توکل به او نه موقت و زود گذر بلکه همیشگی است. خداوند نیز در زمان سختی‌ها آنها را در حصار امنش جای می‌دهد و پشتیبانشان است. این پشتیبانی نیز همچون ایمان و توکل بندگانش همیشگی است: «آنان که بر خداوند توکل دارند مانند کوه صهیون همیشه ثابت و پابرجا هستند. چنانکه کوهها گرداگرد شهر اورشلیم هستند، همچنان خداوند گرداگرد قوم خود است و تا ابد از آنها محافظت می‌کند!» (مزامیر ۱۲۵: ۱-۲)

در مزامیر به مسبب الاسباب بودن خداوند و اینکه قدرت مطلق تنها از آن او بوده و خواست و اراده‌اش بر همه‌ی عالمیان چیرگی دارد، اشاره می‌شود. از دید مناجات‌کننده هر عملی زمانی به نتیجه می‌رسد که خداوند بخواهد. اگر خداوند نخواهد و اراده‌ی چیزی را نکند و اما همه‌ی جهانیان برای انجام امری تمام تلاش خود را به کار گیرند، تلاششان بی‌نتیجه خواهد ماند. انسان مؤمن تدبیر امورش را از خدای خویش خواستار شده و به او توکل می‌کند. گفتار ذیل این نکته‌ی مهم را متذکر می‌شود که انسان فریفته‌ی عمل و تلاش هر چند فراوانش نشده و همیشه به خداوند توکل کند:

«اگر خداوند خانه را بنا نکند، بناکنندگان زحمت بیهوده می‌کشند، اگر خداوند شهر را نگهداری نکند، نگهداران بیهوده نگهداری می‌کنند، بیهوده است که شما برای امرار معاش، این همه زحمت می‌کشید، صبح زود بر می‌خیزید و شب دیر می‌خوابید؛ زیرا هنگامی که عزیزان خداوند در خوابند، برای ایشان تدارک می‌بیند.» (مزامیر ۱۲۷: ۱-۲)

در مزامیر و در مناجاتی که آکنده از شور و شوق به خداوند است و در حالیکه اندوه ناملايمات سراسر وجود مناجات‌کننده را فرا گرفته به خداوند پناه می‌برد و توکل و صبر را پیشه‌ی خود می‌سازد و قول اوست که:

«ای خدا فریادم را بشنو و دعای مرا اجابت فرما! از این دیار غریب تو را به کمک می‌طلبم. مرا که فکرم پریشان است به پناهگاهی مطمئن هدایت کن. زیرا تو در برابر دشمنانم حامی و پناهگاه من بوده‌ای. برای تمام عمرم در خیمه‌ی تو ساکن می‌شوم در زیر سایه‌ی بالهای تو پناه می‌گیرم.» (مزامیر ۶۱: ۱-۸)



سلیمان نبی در امثال انسان را متوجه این امر می‌کند که اگر در زندگی خویش نقشه‌ها و برنامه‌هایی را در سرش می‌پروراند باید بداند که نتیجه‌ی نهایی آنها فقط به دست خداوند است پس باید امورش را به خداوند بسپارد تا در کارها موفق شود:

«انسان نقشه‌های زیادی می‌کشد، اما نتیجه‌ی نهایی آنها در دست خداست. تمام کارهای انسان به نظر خودش درست است، اما انگیزه‌ها را خداوند می‌بیند. نقشه‌های خود را بدست خداوند بسپار، آنگاه در کارهایت موفق خواهی شد.» (امثال ۱۶: ۱-۳)

انبیائی که سرگذشت آنها در بخشهای پایانی عهد عتیق ذکر می‌شود، گرفتار نافرمانی‌های قوم خود شده و مدام به درگاه خداوند روی آورده و به او توکل می‌کنند. برای نمونه می‌توان به اشعیای نبی<sup>۱</sup>، ارمیای نبی<sup>۲</sup> و دانیال نبی<sup>۳</sup> اشاره کرد. در مناجات این انبیاء بیشتر بخشودن گناه قوم از خداوند طلب می‌شود و آنها برای در امان ماندن قوم از تبعات گناهشان به خداوند توکل می‌کنند.

## ۲- عهد جدید

عهد جدید در مقایسه با عهد عتیق در بهره‌مندی‌اش از ابعاد عرفانی غنی‌تر است. *اناجیل* یکی از مهمترین منابع عرفان مسیحی محسوب می‌شوند. تعالیم، سخنان و اعمال مسیح مهمترین بخش از آن را - در ارتباط با عرفان - تشکیل می‌دهد و سلوکش همیشه الهام بخش عارفان مسیحی بوده است. به گفته نیکلسون این امر که تمایلات اهل زهد و توکل آنها با نظریه‌های مسیحی هماهنگ است و از آنها تغذیه می‌کند امری بدیهی است و بسیاری از نصوص انجیل و گفته‌های منسوب به عیسی در قدیمیترین تذکره‌های صوفیان نقل شده است.<sup>۴</sup> گفتاری که در ادامه نقل می‌شود به یکی از حدیث نبوی شباهت دارد که مولانا نیز از آن الهام گرفته است.

۱. اشعیاء: ۱۷.

۲. ارمیا: ۱۷-۱۸.

۳. دانیال: ۹.

۴. نیکلسون، رینولد البین، *عرفان و عارفان مسیحی*، ترجمه‌ی اسد الله آزاد، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ اول ۱۳۷۲، ص ۴۹.

مسیح در یکی از موعظه‌هایش به ارشاد مردم پرداخته و آنها را به توکل فرا می‌خواند و از آنها می‌خواهد غصه‌ی خوراک و پوشاک را نخورند و ایشان را به درس آموزی از پرندگان فرا می‌خواند که هیچ‌گاه غم خوراک را نمی‌خورند و در عوض خداوند روزی‌شان را می‌رساند. او در ادامه به لطف و رحمت واسع خداوند اشاره می‌کند؛ خدایی که در فکر پرندگان است مگر می‌شود انسان را که اشرف مخلوقات است فراموش کند:

«پس نصیحت من این است که برای خوراک و پوشاک غصه نخورید. برای همین زندگی و بدنی که دارید شاد باشید. آیا ارزش زندگی و بدن بیشتر از خوراک و پوشاک نیست؟ به پرندگان نگاه کنید غصه ندارند که چه بخورند. نه می‌کارند و نه درو می‌کنند، ولی پدر آسمانی شما خوراک آنها را هم فراهم می‌سازد. آیا شما برای خداوند خیلی بیشتر از این پرندگان ارزش ندارید؟» (انجیل متی ۶: ۲۵-۲۶)

«لَوْ أَنْكُمْ تَتَوَكَّلْتُمْ عَلَى اللَّهِ حَقَّ التَّوَكُّلِ لَرَزَقَكُمْ كَمَا يَرْزُقُ الطَّيْرَ تَغْدُو خِمَاصًا وَ تَرُوحُ بِطَانًا.»<sup>۱</sup>

«اگر توکلتان به خداوند کامل باشد، روزی شما را تأمین می‌کند همان‌گونه که نیاز پرندگان را تأمین می‌کند، آنها صبح با شکم خالی بیرون می‌روند و شبانگاه سیر باز می‌گردند.»

گرچه سخنان فوق بیشتر رنگ و بوی زهد دارد اما پر واضح است که زهد بدون توکل معنا نداشته و حتی غیرقابل تصور است. یکی از مراحل سلوک یک عارف زهد است و همین ویژگی اوست که تحمل زندگی سخت را برایش میسر و قابل تحمل می‌سازد و قطعاً زندگی زاهدانه بدون توکل میسر نخواهد شد. مرحوم غنی به تبع نیکلسون رهبانیت و زهد را از مهمترین تعالیم مسیحیت و موافق با روح آن و بر گرفته از تعالیم اناجیل دانسته است<sup>۲</sup> و شکی نیست که مهمترین منبع آن نیز *اناجیل* و بالاخص تعالیم مسیح به شمار می‌رود. مسلماً زندگی زاهدانه نیازمند پشتوانه‌ی معنوی قوی‌ای است که به آن معنا و امید ببخشد و این تنها با توکل میسر می‌شود. حیات زاهدانه زمانی به سرانجام رسیده و بر جسم و روح تأثیر

۱. کتاب مقدس، عهد جدید.

۲. سیوطی، جلال‌الدین عبد‌الرحمن بن ابی بکر، الجامع الصغیر، مصر: شركة مکتبة و مطبعة مصطفى البابي، الطبعة الرابعة ۱۳۷۷ ق، ج ۲، ص ۱۲۹ به نقل از فروزانفر، بدیع الزمان، احادیث متنوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴، ص ۱۶۹.

۳. غنی، قاسم، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، تهران: نشر زوار، چاپ نهم ۱۳۸۳، ص ۶۸.

مطلوبی می‌گذارد که با توکل همراه شود و توکل رابطه‌ای دوسویه و توأم با عشق و شور بین بنده با خدا برقرار می‌کند.

مسیح این نکته‌ی مهم را متذکر می‌شود که هر آن کس اندوه خوراک و پوشاک را داشته باشد همانند بی‌ایمانان است؛ این سخن او ارتباط ایمان به خداوند و توکل و اعتماد به او را می‌رساند. بی‌ایمانی و یا ضعف ایمان انسان را از یاد خداوند غافل ساخته و در نتیجه او را از توکل دور می‌سازد. ایمان به خداوند اندوه حال و فردا را از دل می‌زداید:

«پس غصه‌ی خوراک و پوشاک را نخورید چون بی‌ایمانان درباره‌ی این چیزها دائماً فکر می‌کنند و سخن می‌گویند؛ شما با ایشان فرق دارید. پدر آسمانی شما کاملاً می‌داند شما به چه چیز نیاز دارید.» (انجیل متی ۶: ۳۱-۳۲)

مسیح به نقشی که خداوند در زندگی انسان دارد اشاره می‌کند، و اهمیت آن را متذکر می‌شود؛ فرد مؤمن یاد خداوند را مهمترین عنصر زندگی خویش قرار می‌دهد و خداوند را تنها قدرتی در نظر می‌گیرد که خواسته‌هایش را کفایت می‌کند. قدرت بی‌منتها از آن خداوند است و تمام تلاش‌ها و اراده‌ها در مقابل خواست او هیچ است از همین رو تنها کافی است خداوند را با اهمیت‌ترین چیز در زندگی قرار دهیم تا او هم ما را یاری رساند. مسیح این اطمینان را به ما می‌دهد که اگر همیشه به یاد خداوند باشیم و به او توکل کنیم خداوند نیازهایمان را برآورده می‌سازد:

«اگر شما در زندگی به خدا بیش از هر چیز دیگر اهمیت دهید و دل ببندید، او همه‌ی نیازهای شما را بر آورده خواهد ساخت.» (انجیل متی ۶: ۳۳)

یکی از ویژگی‌های متوکلان که در سخنان مسیح به آن اشاره می‌شود این است که ایشان هرگز غصه‌ی روز نیامده را نمی‌خورند و فردای خویش را با تمام مشکلاتش به خداوند می‌سپارند. توکل به متوکلین آرامش و سکونی اعطاء می‌کند که به موجب آن از فکر فردا بیرون آمده و حتی اندوه زمانی را که در آن به سر می‌برند نیز، نمی‌خورند و مسیح پیروانش را به همین نکته رهنمون می‌دارد که با یاد خداوند و توکل به او غم و اندوه را به کناری نهاده و به لطف پروردگارش امیدوار باشند:

«پس غصه‌ی فردا را نخورید، چون خداوند در فکر فردای شما نیز می‌باشد. مشکلات هر روز برای همان روز کافی است، لازم نیست مشکلات روز بعد را بر آن بیفزایید.» (انجیل متی ۶: ۳۴)

مسیح این نکته را متذکر می‌شود که خداوند تنها کسی است که خواسته‌های بندگانش را اجابت می‌کند و به درخواست آنها پاسخ می‌گوید. او به نیازهای آنان آگاهی دارد و صلاحشان را هم می‌داند. حتی اگر بنده‌ای خواسته‌اش را به زبان نیاورد باز تنها خداوند است که از افکار درونی او آگاه است و حتی از نیازی که خود فرد ممکن است از آن بی‌خبر باشد، آگاه است:

«حاجات شما را می‌داند پیش از آنکه از او سؤال کنید.» (انجیل متی ۶: ۸)

رزق و روزی یکی دیگر از هزاران نیاز انسان است که در این مورد هم باید به خداوند توکل کرده و روزی‌اش را از او بخواهد:

«نان روزانه‌ی ما را امروز نیز به ما ارزانی دار. خطاهای ما را بیامرز چنانچه ما نیز آنان را که به ما بدی کرده‌اند می‌بخشیم و ما را از وسوسه‌ها دور نگه دار و از شیطان حفظ فرما، زیرا ملکوت و قدرت و جلال تا ابد از آن توست. آمین!» (انجیل متی ۶: ۱۱-۱۳)

پس توکل تنها برای رفع نیازهای مادی مثل رزق نیست، بلکه انسان در امور معنوی نیز نیازمند توجه و لطف خداوند است. برای بخشایش گناهان و مصون ماندن از شر شیطان نیز توکل ضرورت می‌یابد. در جای دیگری مسیح می‌آموزد که هر کس با یقین و ایمان از خداوند چیزی را طلب کند بی‌شک به او داده خواهد شد چون او درخواست کسی را بی‌پاسخ نمی‌گذارد:

«بخواید تا به شما داده شود. بجوید تا بیابید. در بزنید، نا به روی شما باز شود زیرا هر که چیزی بخواهد، بدست خواهد آورد، و هر که بجوید، خواهد یافت. کافی است در بزنید، که در برویتان باز شود. اگر کودکی از پدرش نان بخواهد، آیا پدرش به او سنگ می‌دهد؟ اگر از او ماهی بخواهد، آیا به او مار می‌دهد؟» (انجیل متی ۷: ۷-۱۰)

پطرس رسول نیز این بعد اخلاقی مسیح را متذکر شده و در رساله‌ای به مسیحیان خارج از اورشلیم از توکل مسیح در مصائب سخن می‌گوید:

«وقتی به او ناسزا می‌گفتند، پاسخی نمی‌داد، و زمانی که او را عذاب می‌دادند، تهدید به انتقام نمی‌کرد، بلکه زندگی خود را به خدایی واگذار کرد که داور عادل و با انصافی می‌باشد.» (رساله‌ی اول پطرس ۲: ۲۳)

پطرس با یادآوری این بعد اخلاقی مسیح، مخاطبان را به توکل و اعتماد به خداوند در زمان سختی‌ها دعوت می‌کند و از آنها می‌خواهد با وجود مشکلات از ادامه‌ی راه باز نمانند و با یاد خداوند ادامه دهند: